فرار شاه؛ پاسخ تحلیلی به چند شبهه تاریخی

آیا آمریکایی‌ها با قطعی شدن سقوط محمدرضا پهلوی، زیر پای او را خالی کردند تا زودتر ساقط شود؟
آیا برنامه حضور در نشست «گوادلوپ» و اعزام ژنرال هایزر به ایران، با چنین هدفی طراحی شد؟

کارتر و سران بلوک غرب در «گوادلوپ»

جواد نوائیان رودسری– ساعت ۱۳:۰۸ روز سه‌شنبه، ۲۶ دی ۱۳۵۷، محمدرضا پهلوی به همراه خانواده‌اش، ایران را به مقصد مصر ترک کرد؛ اتفاقی که در تاریخ معاصر ایران، با عنوان «فرار شاه» شناخته می‌شود. محمدرضا پهلوی بعدها در کتاب «پاسخ به تاریخ» مدعی شد که این فرار و در واقع آن چه به ساقط شدن رژیم او انجامید، برنامه‌ای بود که آمریکا و انگلیس برای تقابل با رشد روزافزون ایران و کشیدن ترمز پیشرفت کشور، اجرایی کردند. در واقع مصدر چنین ادعایی، همان‌طور که عبدالرضا هوشنگ مهدوی در جلد پنجم کتاب «سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی» اشاره می‌کند، خودِ شاه و خانواده او بودند؛ ادعایی که بعدها از سوی سلطنت‌طلبان بارها مطرح شد و با وجود آن که دست‌کم طی سه دهه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، هواداری غیر از این جریان، در میان اپوزیسیون خارج از کشور نداشت، اما طی سال‌های اخیر و بر بستر یک پروژه گسترده که هدفش تطهیر پهلوی‌ها بود، دوباره در صدر ادعاهای مطرح‌شده در برنامه‌های گوناگون رسانه‌های معاند جمهوری اسلامی قرار گرفت تا به نوعی، اصالت و مردمی بودن انقلاب اسلامی ایران را هدف قرار دهد و زیر سوال ببرد. در نوشتار پیش‌رو، بر آنیم تا این ادعا را از زوایای مختلف، بررسی و تحلیل کنیم و برخی از مستندات آن را به بوته نقد بسپاریم.

■ طرح شبهات بر مبنای یک باور

درباره این که طی ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب، آمریکایی‌ها به تدریج فهمیدند که کار شاه تمام است و از نیمه نخست دی سال ۵۷، وزارت خارجه ایالات متحده تقریباً به این مسئله باور داشت، تردیدی وجود ندارد. اسناد منتشر شده در سال‌های اخیر، تأیید می‌کند که آمریکایی‌ها درباره وضعیت ایران، در ابتدای زمستان سال ۱۳۵۷، کاملاً دغدغه داشتند. برای آن‌ها رژیم پهلوی یک بازوی راهبردی در منطقه غرب آسیا محسوب می‌شد؛ شاه یکی از خریداران اصلی سلاح‌های آمریکایی بود و برای رژیم صهیونیستی، متحدی راهبردی به حساب می‌آمد. در واقع رژیم پهلوی با چنین موقعیتی، گزینه‌ای بی‌جایگزین برای کاخ سفید در اجرای سیاست‌های منطقه‌ای‌اش بود؛ ارتباطات گسترده امنیتی و اطلاعاتی میان آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی با دستگاه امنیتی رژیم پهلوی، ساواک، یک ارتباط تأثیرگذار و سیستماتیک بود. با این حال، کارتر و برژینسکی در ۱۴ دی ۵۷ و در کنفرانس گوادلوپ، از ایران به عنوان نخستین «نقطه آشوب‌زده» قابل بحث نام بردند. رئیس جمهور وقت آمریکا که سال قبل و در دی ۱۳۵۶، مهمان شاه در تهران بود و از ایران به عنوان «جزیره ثبات» یاد کرد، حالا اعتقاد داشت: «اوضاع به مرحله‌ای رسیده که بعید است ماندن شاه در ایران به حل بحران کمک کند». آیا ابراز این مسئله از سوی کارتر، به معنای خالی کردن پشت شاه به دلیل رشد و ترقی ایران در دوره پهلوی دوم و در واقع کشیدن ترمز پیشرفت روزافزون کشور در این دوره بود؟ آیا می‌شود با این استدلال، سقوط شاه و رژیم پهلوی را اقدامی «آمریکائیزه» فرض کنیم؟ در خرداد ۱۳۹۵، کامبیز فتاحی، خبرنگار بی.بی.سی در واشنگتن، طی یادداشتی با عنوان «آمریکا چطور از شاه قطع امید کرد؟»، با رویکرد بازتولید ادعای سلطنت‌طلبان که در ابتدای نوشتار به آن اشاره کردیم، از فرستادن ژنرال هایزر به تهران، با هدف جلوگیری از اقدام به کودتای ژنرال‌های وفادار به محمدرضا پهلوی سخن به میان آورده و آن را مستند به سخنان جان استمپل، یکی از کارمندان ارشد سفارت آمریکا در تهران کرده است که در گفت‌وگو با بی.بی.سی فارسی گفت: «[قرار بود هایزر به تهران برود تا] برای امرای ارتش روشن کند که سر جای خود محکم بنشینید و مشکل را پیچیده‌تر نکنید.» این ادعاها در وجوه دیگر نیز، مطرح شد تا به شبهه نقش جدی آمریکا و البته تا حدودی انگلیس در پایان دادن به کار پهلوی دوم دامن بزند، اما آن چه در این هیاهوی رسانه‌ای نادیده گرفته شد، شواهدی بود که خلاف این ادعا را به نحو گسترده‌ای تأیید می‌کرد.

■ معمای «گوادلوپ»

برخلاف آن چه در رسانه‌های معاند جمهوری اسلامی ادعا می‌شود، کنفرانس «گوادلوپ» روی موضوع وضعیت بحرانی ایران متمرکز نبود. دغدغه اصلی شرکت‌کنندگان در کنفرانس، یعنی مسئولان بلندپایه‌ای که باید آن‌ها را در مجموعه سران بلوک غرب به رهبری آمریکا طبقه‌بندی کنیم، نفوذ بلوک شرق در مناطق تحت نفوذشان بود. گزارش انتشار یافته آمریکایی‌ها از دستور جلسه اصلی کنفرانس یا به عبارت دقیق‌تر، «نشست گوادلوپ» چنین است: «صبح روز جمعه، پنجم ژانویه (۱۵ دی ۵۷) درباره روابط میان دو بلوک شرق و غرب صحبت شد. سپس صحبت‌هایی درباره تلاش برای بهبود روابط با چین صورت گرفت و این دغدغه مطرح شد که کوبا تلاش می‌کند، جنبش عدم تعهد را به سوی شوروی سوق دهد... از بعدازظهر جمعه، دستیاران رهبران شرکت‌کننده (برای آمریکا برژینسکی) به مذاکرات پیوستند و بحث درباره مسائل راهبردی، به‌ویژه پیمان محدودسازی تسلیحات استراتژیک–۲ با شوروی ادامه یافت.» روز دوم مذاکرات در گوادلوپ، بحث درباره «نقاط آشوب‌زده» آغاز شد و تازه در این مرحله بود که از بحران ایران و سقوط احتمالی شاه، به عنوان یکی از فرازهای قابل بررسی، سخن به میان آمد؛ در واقع بحث کلان در این نشست، مقابله با نفوذ شوروی بود و بحث جزئی، تصمیم‌گیری درباره نقاط آشوب‌زده از جمله ایران، آن‌گونه که بتواند راهبردهای کلان نشست را تأمین کند. بنابراین، دغدغه آمریکایی‌ها، این نبود که رژیم شاه با پیشرفت سریع برای غرب دردسرساز شود. این دغدغه، حتی به صورت وهم و خیال هم به ذهن کارتر و مشاورانش متبادر نمی‌شد؛ بیش از ۷۰ هزار مستشار آمریکایی، شریان اصلی اقتصاد، ارتش و حتی ساختارهای سیاسی و اجتماعی ایران را در اختیار داشتند، بنابراین، از این نظر هیچ نگرانی خاصی وجود نداشت؛ از نظر کاخ سفید، تنها دغدغه، خشم مردم از رژیم شاه بود که می‌توانست باعث ساقط شدن او و به قدرت رسیدن کمونیست‌ها در ایران شود. کارتر در نشست گوادلوپ که بعدها گزارش‌های آن منتشر شد، به این رویکرد اذعان می‌کند که «اگر وقایع ایران در جهتی دگرگون شود تا کشوری با ثبات، دارای روابط دوستانه با غرب، منبع مستمر صادرات نفت به کشورهای غربی، مصون از سلطه خارجی (منظور کمونیسم و بلوک شرق است) و نیز در عرصه داخلی مترقی باشد [قابل تحمل است].» دغدغه آمریکایی‌ها بسیار کلان‌تر از ساقط شدن یکی از مهره‌هایشان بود؛ مهره‌ای که به طرزی آشکار مورد نفرت مردمش قرار داشت و البته این وضعیت برای کاخ سفید خیلی دیر آشکار شد؛ «سازمان‌های اطلاعاتی، امنیتی و جاسوسی آمریکا در تابستان ۱۳۵۷ وضعیت ایران را چنین ارزیابی کرده بودند: ایران در شرایط انقلابی و حتی شرایط ماقبل انقلاب نیز قرار ندارد [!] طبیعی بود که چند ماه بعد، وقتی عمق بحران مشخص شد، آمریکایی‌ها به دنبال راه‌های گوناگون برای حفظ منافع خودشان در ایران بگردند و از تسلط کمونیسم بر ایران واهمه داشته باشند. این نگرانی، دقیقاً در سال ۱۳۳۱ نیز، برای آمریکایی‌ها ایجاد شد، به همین دلیل، در اجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت مصدق، مجدّانه با انگلیسی‌ها همکاری کردند و حتی، فرماندهی اصلی عملیات «آژاکس» را بر عهده گرفتند. با این حال، برای کاخ سفید، دوام آوردن شاه همچنان گزینه اصلی بود، حتی زمانی که میان وزارت دفاع و وزارت خارجه آمریکا، بر سر ماندن یا ساقط شدن شاه به دست مردم، اتفاق نظر وجود نداشت. دیدگاه کارتر در گوادلوپ، بر اساس نظرات همکارانش در وزارت خارجه آمریکا شکل گرفته بود؛ آن‌ها ظاهراً معتقد بودند که کار شاه تمام است و باید درباره دوران بعد از او، قاطعانه تصمیم گرفت، اما در مقابل این نظر، دیدگاه دیگری هم وجود داشت که به حفظ شاه، با هر شکل ممکن معتقد بود و به نظر می‌رسید کارتر در عمل، ترجیح می‌دهد به این دیدگاه تکیه کند. هر چند که رئیس جمهور وقت آمریکا، هنگام سخن گفتن درباره بحران ایران، این دیدگاه را با دست پس می‌زد و با پا پیش می‌کشید! دلیل این ادعا، سفر ژنرال رابرت هایزر به تهران در ۱۴ دی سال ۵۷، دو روز قبل از صحبت درباره ایران به عنوان «نقطه آشوب‌زده» در نشست گوادلوپ است.

■ مبانی مأموریت ژنرال هایزر

برخلاف ادعای جان استمپل، هایزر به تهران نیامده بود تا ترمز کودتای ژنرال‌های شاه را بکشد. استمپل اصولاً نمی‌توانست درباره مأموریت هایزر اظهار نظر دقیق و قابل استنادی داشته باشد، چرا که هایزر در خاطراتش از برخورد سرد «سالیوان» سفیر آمریکا در تهران سخن به میان می‌آورد و معتقد است که وزارت خارجه (وزارتخانه متبوع استمپل) و وزارت دفاع (وزارتخانه متبوع هایزر) آمریکا، در قضیه بحران حاکم بر ایران، روبه‌روی هم قرار گرفته‌اند؛ هایزر تأکید می‌کند: «در واشنگتن وحدت نظر وجود ندارد»، آن‌گاه به سراغ نظر سالیوان می‌رود و می‌افزاید: «سالیوان معتقد بود ارتش ایران به جایی رسیده است که توان انجام هیچ کاری را ندارد. به اعتقاد سالیوان کارِ شاه تمام بود و باید هر چه زودتر ایران را ترک می‌کرد.» چنین برداشتی از وضعیت ارتش، نمی‌تواند آمادگی ژنرال‌های شاه را برای کودتا القا کند، چه برسد به آن که هایزر بخواهد مانع از این اقدام شود. واقعیت این بود که او، در به در به دنبال کودتاچی می‌گشت، اما انگیزه‌ای در میان ژنرال‌ها پیدا نمی‌کرد! آن‌ها تر سیده بودند؛ حتی غلامعلی اویسی که به شدت عمل معروف بود و در جریان قیام ۱۵ خرداد، فرماندهی عملیات قتل‌عام مردم را بر عهده داشت، پیش از شاه از کشور گریخت. هایزر می‌نویسد: «از طوفانیان (یکی از ژنرال‌های مورد اعتماد شاه) پرسیدم: آیا شایعه وجود یک گروه طراح کودتا در ارتش درست است؟ وی قویاً چنین شایعه‌ای را تکذیب کرد.» هایزر به دنبال راهکار مؤثری برای تثبیت موقعیت بختیار، به عنوان نخست‌وزیر مورد حمایت انگلیس و آمریکا بود: «من... با دستور رئیس جمهور وارد تهران شدم که همه را وادار به حمایت از بختیار کنم.» اما تلاش‌های او کمترین اثری نداشت. بنابراین، آن چه فتاحی در یادداشت خود، به نقل از استمپل آورده، یک بلوف تمام‌عیار است. آمریکایی‌ها می‌خواستند شاه را در قدرت نگه دارند، اما نمی‌توانستند و این ناتوانی، ممکن بود منافع آن‌ها را در ایران با خطر جدی روبه‌رو کند. هایزر باید سیاست اقدامات خود را با این اصل مهم هماهنگ می‌کرد؛ اصلی که ژنرال الکساندر هیگ، وزیر خارجه آمریکا در دوره ریگان، در مقدمه کتاب خاطرات هایزر بر آن تأکید می‌کند: «سیاست ما باید محدوده ملاحظات برای دفاع از منافع آمریکا را مشخص کند. ما نمی‌توانیم جهان را در تصورات خودمان ترسیم کنیم. ما منافعی داریم که باید از آن‌ها دفاع کنیم.» بدیهی بود که در چنین شرایطی، برای هایزر منافع آمریکا بر حفظ شخص شاه یا حتی رژیم او ارجحیت داشت؛ مکالمه هایزر با طوفانیان که در خاطرات این ژنرال آمریکایی انعکاس یافته است، می‌تواند بهتر و بیشتر این رویکرد را آشکار کند: «طوفانیان از من پرسید که آیا قصد ملاقات فوری با شاه را دارم و من پاسخ دادم که فکر نمی‌کنم فایده‌ای داشته باشد، زیرا مردم خصومت خود را با شاه اعلام کرده‌اند و تماس من با ارتش در این لحظه مثمرثر است.» در سال ۱۳۹۸ ش، روزنامه نیویورک تایمز، با انتشار اسناد بانک «چیس منهتن» مربوط به «پروژه عقاب» (برنامه پذیرفتن و حمایت از شاه در آمریکا با پشتیبانی دیوید راکفلر، سرمایه‌دار معروف صهیونیست) که تا آن زمان در اختیار دانشگاه ییل قرار داشت، افشا کرد که رابرت هایزر، طی یک ضیافت ناهار در «کلوپ کینکر یانکر» در نیویورک، به اعضای تیم پروژه عقاب گفته است که از فرماندهان ارتش خواسته بود برای حفظ سلطنت شاه، به سوی معترضان شلیک کنند. هایزر در بخشی از این سند که منتشر شده، آورده است: «من از دست ژنرال‌ها به خشم آمدم و صدایم را بلند کردم؛ اما آن‌ها برای کشتن معترضان دل و جرئت نداشتند». در واقع هایزر به دنبال یک تکیه‌گاه برای حفظ منافع آمریکا در درجه اول و در قدرت نگه داشتن شاه، در درجه دوم می‌گشت؛ تلاشی که با پیروزی انقلاب اسلامی، کاملاً عقیم و بدون نتیجه باقی ماند.

سالیوان – سفیر آمریکا در تهران

برژینسکی – مشاور امنیت ملی کارتر

جان استمپل – کارمند ارشد سفارت آمریکا در تهران

ژنرال رابرت هایزر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
برابر رأی شماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۳۰۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم فاطمه اصلاحی فرزند محمد بشماره شناسنامه ۱۳۷۱۷ صادره از کاشمر در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۲۰۰ مترمربع از پلاک ۲۰۹۳ اصلی واقع در بخش یک شهر کاشمر به آدرس خیابان حیدری. جنب دارایی خریداری از مالک رسمی آقای /خانم حسن علیزاده محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱.۱۰.۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱.۱۱.۱۱
احمد جهانگیر- رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر ۱۴۰۱۰۰۲۶۸۱/ش

۳۷۰۱۰
پذیرش تلفنی آگهی با پیک رایگان

آگهی مزایده شماره ۲۰۰۱۰۵۰۳۵۲۰۰۰۰۰۳
شهرداری طرقبه در نظر دارد واگذاری (فروش) ملک به مساحت ۶۲۷۲/۱۴ مترمربع واقع در معلم ۲ خود را با جزئیات مندرج در اسناد مزایده با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت www.setadiran.ir با شماره ۲۰۰۱۰۵۰۳۵۲۰۰۰۰۰۳ به صورت الکترونیکی به فروش برساند.
-تاریخ انتشار اسناد در سایت از ساعت ۸ مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۲۱ می باشد.
-مهلت دریافت اسناد مزایده از سایت تا ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۲۹
-تاریخ بازدید از ۱۴۰۱/۱۰/۲۱ تا ۱۴۰۱/۱۰/۲۹ از ساعت ۹ صبح تا ۱۳
-مهلت ارائه پیشنهاد تا ساعت ۸ مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۱
-زمان بازگشایی پاکت ها ساعت ۱۳ ظهر مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۲
ضمناً رعایت موارد ذیل الزامی می باشد:
۱- برگزاری مزایده صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می باشد و کلیه مراحل فرآیند مزایده شامل خرید و دریافت اسناد مزایده (در صورت وجود هزینه مربوطه)، پرداخت تضمین شرکت در مزایده (ودیعه)، ارسال پیشنهاد قیمت، بازگشایی پاکات، اعلام به برنده، واریز وجه مزایده و تحویل ملک در بستر سامانه از این طریق امکان پذیر می باشد.
۲- علاقه مندان به شرکت در مزایده می بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی الکترونیکی (توکن) با شماره های ذیل تماس حاصل نمایند: مرکز پشتیبانی و راهبری سامانه: ۴۱۹۳۴-۰۲۱
اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استان ها، در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش "ثبت نام/پروفایل مزایده گر" موجود است.
روابط عمومی شهرداری طرقبه ۱۴۰۱۰۰۲۴۷۶/ش

«فراخوان تجدید ارزیابی کیفی پیمانکاران» نوبت اول
این شرکت در نظر دارد تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی فشرده را، از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای واگذار نماید.
وزارت نیرو
شرکت آب و فاضلاب شهرستان سبزوار

ردیف	مشخصات پروژه	مدت اجرا	مبلغ برآورد	نوع و میزان تضمین شرکت در مناقصه	کارفرما/محل جرا	منبع تامین اعتبار
۱	انجام عملیات نصب ۱۵۰۰ فقره انشعاب فاضلاب در قطرهای ۱۲۵،۱۱۰ و ۱۶۰ وطرح تامین لوازم نصب با این توضیح که کلیه هزینه های لوازم نصب انشعاب فاضلاب توسط متقاضی / مشترک پرداخت می گردد	۱۲ ماه	۸،۵۴۰،۱۰۰،۰۰۰	ضمانتنامه بانکی، اوراق مشارکت بانکی، واریز وجه نقد و چک تضمین شده بانکی یا ارائه گواهی معتبر از دستگاه مناقصه گزار مبنی بر مسدود نمودن مطالبات قطعی شده پیمانکار به مبلغ: ۴۲۸،۰۰۰،۰۰۰ ریال	شرکت آب وفاضلاب سبزوار / شهرستان سبزوار	اعتبارات جاری وسرمایه ای

۱-دستگاه نظارت: مدیریت دفتر بهره برداری و توسعه فاضلاب
۲-شرایط مناقصه گر:
۱- داشتن تجربه وسابقه اجرایی در رشته وزمینه کار ۲-ارائه گواهینامه صلاحیت ایمنی انجام کار از وزارت تعاون ، کار و رفاه اجتماعی جهت پیمانکاران ۳- ارائه پروانه فعالیت از مراجع ذی صلاح جهت تامین کنندگان
۳- تاریخ، مهلت و محل دریافت اسناد ارزیابی واسناد ومدارک مناقصه:
واجدین شرایط می توانند حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۰۳جهت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد و مدارک مناقصه به اداره حقوقی و قراردادها شرکت به نشانی : ۲۴ متری انقلاب حد فاصل نیستان و بوستان مراجعه و یا از طریق سایت اینترنتی پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به نشانی : iets.mporg.ir اسناد مذکور را دریافت نمایند و حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۷ نسبت به تکمیل و تحویل اسناد ارزیابی و پیشنهاد قیمت ، به اداره مذکور اقدام نمایند.
روابط عمومی و آموزش همگانی
شرکت آب و فاضلاب سبزوار
۱۴۰۱۰۰۲۷۱۱/ش

صفحه آرایی
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان
سفارش می‌پذیرد
layout@khorasannews.com ۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰

مناقصه عمومی همراه با ارزیابی کیفی(فشرده) یک مرحله ای
«فراخوان امور خدماتی و پشتیبانی واحد خودگردان رفاهی دانشگاه فردوسی مشهد»
دانشگاه فردوسی مشهد در نظر دارد فراخوان امور خدماتی و پشتیبانی واحد خودگردان رفاهی دانشگاه فردوسی مشهد » به شماره (سیستمی) ۲۰۰۱۰۹۱۵۷۹۰۰۰۰۱۹ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.
متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.
مواعد زمانی:
- تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰ ساعت ۱۵:۰۰
- مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷ ساعت ۱۰:۰۰
- مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۱/۱۱/۰۸ ساعت ۱۰:۰۰
- زمان بازگشایی پاکت ها: ۱۴۰۱/۱۱/۰۸ ساعت ۱۰:۰۵
نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۱۵/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال است. تضمین مزبور شامل: الف) ضمانت‌نامه بانکی؛ ب) فیش نقدی ج) چک بین‌بانکی د) چک تضمین‌شده بانکی
اطلاعات تماس و آدرس دستگاه : اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکتهای الف: مشهد، میدان آزادی، پردیس دانشگاه فردوسی مشهد، سازمان مرکزی (تلفن ۳۸۸۰۲۲۶۵-۰۵۱)
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
مرکز تماس : ۴۱۹۳۴ -۰۲۱ دفتر ثبت نام : ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸
اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استانها، در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش «ثبت نام/ پروفایل تامین کننده/ مناقصه گر» موجود است.
هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده مناقصه است.
۱۴۰۱۰۰۲۵۰۱/ش